



دوره هشتم تقویمیه

جلسه ۱۰

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون تصحیح و ترمیم)

جلسه پنجم ۲ اسفند ماه ۱۳۰۹ - ۳ خرداد ۱۳۰۹

قیمت اشراق سالانه ۱۰ تومان
 چاپخانه ۱۶۰ تومان
 تک شماره ۱۰۰ تومان

مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۲ اسفند ماه ۱۳۰۹ * (سوم شوال ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

۱) تصویب صورت مجلس
 ۲) اجراء مراسم تحلیف

۳) بقیه شور لایحه ابتزاع املاک اتباع خارجه
 ۴) دولت و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس در شنبه ۲۷ بهمن ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

(در ایندو قریع بمناسبت حاضر نمودن کلام الله مجید
 در مجلس حضار قیام نمودند)

سپس آقایان مصلحه الاسامی بموجب اصل یازدهم قانون
 اساسی بطریق ذیل قسم یاد نموده و قسم نامه را امضاء نمودند
بسم الله الرحمن الرحيم - من که در ذیل امضا
 مینمایم خداوند را بیهضات میطلبم و برآن مجید قسم یاد
 میکنم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق قانون
 اساسی محفوظ و مجری است تقالیدی را که بمن رجوع شده
 است همه امکان با کمال راستی و درستی و جد و جهد انجام
 داده و نسبت به اعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل منعم خود
 صدیق و راستگو باشم و با اساس سلطنت و حقوق ملت
 خیانت ننمایم و هیچ منظوری نداشته باشم جز فواید و
 مصالح دولت و ملت ایران.

رئیس - آقای فاطمی

فاطمی - قبل از دستور

رئیس - آقای فزولی

فزولی - قبل از دستور

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (نمایندگان -)

خیر (صورت مجلس تصویب شد .

پس از نمایندگان - وارد دستور شویم

[۲ - اجراء مراسم تحلیف]

رئیس - بسیار خوب حالا شروع میکنیم با اجراء

مراسم تحلیف از طرف آقایان نمایندگان کابینه که قسم

یاد کرده اند

* عین مذاکرات مشروح دهمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰)

دائرة تدوین و تقریر صورت مجلس

آقایان: باطباطی و کبلی - ذکر شیخ - حاج حسین آقا مهدوی - محمد علی میرزا دولتشاهی - وهبری - هفتی آقا رضا بوهری - حسینی - میرزا دولتشاهی - قنصلی خان بختیار - تربیت - طهرانی - دکتر لیمان (باضافه کلمه نوبه) - سهراب خان ساکتیان (باضافه کلمه انجیل) صدق جهانشاهی

[۳] بقیه شور لایحه انتزاع املاک اتباع خارجه]
 رئیس - غیر کبیسون فو این عدلیه راجع باهوال غیر منقول اتباع خارجه ماده ۵ شور اول'
 طباطبائی - دنیا - عدلیه
 رئیس - عدلیه

غرض دولت البته از وضع این قانون اینست: بوده است که مطابق عهود سابقه اتباع خارجه در ایران حسب ملک نشاندته باشند و بمقتده بنده در ایام هرج و مرج ایران پیش از طلوع هفت پهلوی یعنی از اتباع خارجه املاکی را تملک کرده اند یا یعنی داخله بسنگی پیدا کرده بخارجی ما و بعضی املاک را برودن البته دولت مجبور بوده که این قانون را وضع کند و آن املاک را از تملک غیرمشروع آن اشخاص بیرون یآورد این علت وضع این قانون بود بقیه بنده مطابق ماده یازده و سیزده و ماده چهارده قانون ناپیت که در شانزدهم شهریور ۱۳۱۸ از تصویب گذشت در آن مواد عم تخریب شده است که اگر اشخاصی از اتباع خارجه در ایران مالکی پیدا کردند ولو بطریق ارت مثلا یک کسی زن اروپائی داشت مرد و وارثش شد و اورداری ملک شد در آن قانون تصریح شده که این دارائی را چه تزیب فروش رسانند که مالک نشود و همچنین در ماده چهارم ضمیمه پنجم امتیاز بانک شاهنشاهی انجام نوشته شده که بانک حق دارد املاکی را بگرو بردارد حتی حق تملک دارد اما این تملکش ویش از یکسال نخواهد بود و معلوم بود برای این که بپرداز یکسال تکلیف چیست قانون باید وضع کرد لیکن اینماده هفت قش میگردد این غرض را بلیک اینکه طلبه یازدهم گذاریم و مشتری یاندند در انضمام هفت میگوید بملک میکند بدولت و اگر دولت پول نداشت یعنی برداشت ملک تصرف او میماند تاوقتی که دولت این پول را بدهد محدود بوقتی هم نیست بلکه آمده دداین قانون بوردن هم حق داده که اگر خودش مرد وارث هم این حق را داشته باشد منتهی ندلکی است منزلزل لیکن حق تملک دارد محصولتی را بر میدارد مالیاتش را میدهد همان آتاری که بر ملکیت قطعی مرتب است برای ملکیت اتباع خارجه هم ما قائل شدیم و هیچ فرق ندارد بوردن هم حق دادیم و حداقلی که مالک نبود ابرن نیرد ما این حق ندادیم و برای او باین شکل قائل شدیم بنده عقیده ام این است که این ماده هفت نفس میکند غرض را که از وضع این قانون داریم مگر محدودش کنیم

بگویم دولت مملکت است در طرف و الا بیخ سال ده سال یکسالی بمن کبید که این را دولت مجبور باشد که برد و این خرج را بروهای دیگر مقدم بدارد و این ملک را بردارد و الا فایده ندارد بجلی خوب ملکند تصرف اتباع خارجی میماند منتهی ندرانش این است که منزلزل است و الا حق نقل و انتقال دارد حق ارتخارد محصولش را ببرد بخارجش را میدهد همان آتاریکه برب یک مالک مستقیم برای اشخاص هست دداین قانون هم ما قائل شدیم پس قش کرد ماده هفت غرض این قانون را و آن غرض که دولت بدوضع این قانون داشت. بنده عقیده ام این است که در کمسیون عدلیه باز تجدید نظری بشود و این را محدود کنیم و الا همینطور ای یوم اقیامه فایده ندارد بلیک باین شکلی برای آنها قائل شویم ازاین جهت بنده با پیشنهاد مخالفان وزیر عدلیه ظاهر این است که حق میبدهیم بنده عزم می فرمایند که این را بلیک صورتی و تغییر عنوانی حق ملکیت را برای اتباع خارجه قائل شدیم ولیکن اگر این ظاهر را بگذاریم کنار و عدل را بد نظر بگیریم این وقت بنده تصور میکنم که ایراد ایشان وارد نباشد و مخصوصاً اگر وایم بلیک تغییری برویم و علت و فلسفه این ماده را بد نظر بگیریم که برای چه چیز است و برای چه وقت آمده و این لایحه را تهیه کرده مطلب معلوم می شود. اول میفرمایند که اگر این ماده را حذف کردیم خوب طوری می شود و منصفانه خواهد شد! بنده دیدگی از جلیات قبل که این لایحه مطرح بود دروقتی که ارجح بکلیات قانون صحبت میکردند یکی از آقایان اعتراض کرده و جواب عرض کردم حالا با یک یادآوری یکم عرضی که کردم مآلین هم نوانسبیم وایم بگویم که اتباع خارجه بلیک احوالی که ما در این جا ذکر کردیم و برخلاف مقررات آمده اند بدست آورده اند میمانند مهلت میدهم و میگویم که بایستی شما تا فلان وقت با خودتان بفروشید یا اگر فروختید ما هم آنوقت بدفراصله ششماه یکسال مثلا بر میداریم بپردازیم بگذاریم و بفروشیم. این یک نوبه. ولی برای آن بزرگه از قضا نظر حساب منصفانه بود باه! یک کسیکه بداند یک جنسی جنسی است فروشش و بدبگدعت منتهی

قطعا باید بفروش برسد تصور ننمک که بدخرید عجله داشته باشد فرمتا بنده داوطلب می شوم بلیک مالکی را که دست یکی از اتباع خارجه است بخرم میدانم هم که وقتیکه خواسته او را بدبگدعت منتهی بفروشد مشری زیادی از ایشان پیدا نخواهند شد بنده من هشت و چهار نفر دیگر چه ضرری برای من خواهد داشت اگر بایم و بپیکاری خودداری کنم از اینکه بروم و بپیکاری فروش بدم چه ضرری خواهد داشت که ماها چقدر بهم تبانی یکیم و تخریم مللکرا نتیجه چه می شود بواسطه این تبانی بواسطه این خود داری ملک فروخته نمی شود باید حالا آزدا بطور مزایده دولت بفروش رسانند. خوب وقتی که مزایده گذاشتیم آنوقت میخواستیم بگوییم هر قش را که بپیکاری کرده اند یا بخریم قیمت خوبیت چه ضرری خواهد داشت از برای چند نفر خریدار وقتی که یک مالکی ده هزار تومان قیمت داشته باشد حد اعلی چهار هزار تومان آنها بایند پیشنهاد کنند یکیشان سه هزار تومان پیشنهاد کند یکیشان سه هزار و باضد تومان یکیشان کمتر حد اعلی چهار هزار تومان چه ضرر دارد از آن خریدن آنوقت وضعیت صاحب ملک چیست شما میگویید دولت آن مدت بفروش عرض کردم این خطرا دارد که بلیک اشخاص تبانی میکنند و ضررند در آمدت علی احوالی بایند بفروشد از آن مدت که گذاشتیم مزایده می شود چه جانی خواهد بود که مزایده را بلیک بپشت باند و نوبتند پیشنهاد بدهد و پیشنهادشان هم قابل قبول باشد پس از قضا نظر احسان و برای اینکه عرض کردم در مقدمه لایحه است که دولت خواسته است این گذشتند و با نظر ارفاقی نسویه بکند از این قضا نظر باید بپردازد حلی میدارد که به آنها هم ضرری نخورد این وقت چه می شد آنوقت همین میشد که گفتیم اگر نباشد مزایده گذاشتند دیگری بحد اقل قیمتی که تقویم شده بودند خرید و بالاخره دولت می آید و این را میبزد بد از این هم باید فکر برداشتن را کرد دولت وقتی ملک را بخرد بدو قسم می تواند قیمت را بپردازد یا بلیک که بلیک قسمت از عایدات خزانه را بردارد و بلیک قسمت از عایدات خودش را صرف این کار بکند تصدیق میفرمایید این علی بنیست بلیک قسم دیگر این است که خود دولت مشری پیدا

کند و این ملک را برورشید و اگر يك مواشي هم از يك قاطبی بدینك محل عالی ضرورت باندازه بود که زودتر این کار را تصفیہ کند آفت زب خزانہ برادر دستش باز است برای این عمل و خود این مسئله باعین می شود که مردم دیگر آن سه استفاده را که ممکن بود یعنی از خریداران بکنند دیگر نکتہ برای این که يك ملک که فرضاً ده هزار تومان قیمت داشت و واقفاً می ارزید و کسی نخواست بخرد دیگر میدانند که دولت این را خواهد خرید و بدین مثنوی دیگری پیدا خواهد شد. این آدم هر فرجه نارد پالین عرایضی که کردیم اگر نماینده مستقیم با آقایان دیگر یک طرفی دنگر باشد که این طریق عبارت از حذف ماده باشد و عاينت ازان هم نباشد که شما بگوئید دفلان تابع مین باشی بزمایه گذارد ولو بهر قیمت که این البته منصفانه نیست و آقایان هم تصدیق نخواهند فرمود حالا اگر برای تأمین دولت که یکی این نظر اساسی که قانون را آورده است باشد پیشی گرفتن و نخورد کردن این گذشته و اگر قرین املاک از دست اتباع خارج و یکی دیگر هم این که این عمل با یک نظر منصفانه اعمال شود و صورت خارجی پیدا کند اگر يك راهشالی بنظر تان برسد يك پیشنهادی که هر دو نظر را تأمین کند که هم ملک دیگران به نفع بخش فرشته شود و هم در دستشان ملک نماند بنده حاضران را یاد کند مال بیل قبول کنم و بنیاده را نپزیرم اما حذف ماده علاج نمیکند.

ولیس - آقای ولوق.

ولوق - بنده هم در تعجب فرمایمات آقای مؤبدی میخواستیم عرایضی بکنیم زیرا فرمایمات آقای دارر بنده را متقاعد نکرد چون يك اصل مداریم که اتباع خارجه نمیتوانند در ملک ایران ملک مزروعی داشته باشند این اصل در جای خودش محفوظ و سلا برای ارفاق اینطور که میفرمایند برای اجرای این قانون مجبور شده اند که این قانون را بیاورد و اتباع املاک مزروعی از اتباع خارجه را باین طریقی که این قانون معین کرده میخواستند عمل کنند بنده عرضی ندارم گو اینکه به بنده توبه ترسید آرتوبتکه کلبات این قانون مطرح بود عرایضی بکنند بنده

بدهید هیچ اشکالی نخواهد داشت و بر خلاف عاقلت هم رفتار نکرده اید.

مهیگر - اجازه می فرماید: عرض می شود اعتراضاتی که در اطراف این ماده میشود و بیشترش تکرار است صورت بیکتیم با جوابهاییکه آقای وزیر عدلیه دادند قانع شده باشند سه نظر در این ماده هست نظر اول این که سلب مالکیت از اتباع خارجه بکنیم. راجع با املاک (اما اینکه می فرمایند مالکیت نیست آن یک بیعت دیگری است در یک ماده دیگر ماده یازدهم آراء بحث میکنند یک نظر این است که املاک که در بد این اتباع خارجی است آنها را از اتباع کنند) نظر دوم این است که این پولی که میخواستند بدهند و يك املاک را بخردند يك پول زیادی بدهند بگویند آقایان این قیمت املاکشان باید این نکته را هم رعایت کرد و پول زیادی هم موجود نیست که بخواییم بدهیم بدین منظور این است که يك تحصیل زیادی هم با تابع خارجه نشود که بگویند بما فشار آوردند در يك مدت خیلی محدودی در يك موقع خیلی مینوی میخواستند املاک را از دست ما بقیمت نازل در بیاورد ما ملاحظه و رعایت این سه نظر هیچ راه دیگری بنظر نمیدانم غیر از همینکه دولت پیشنهاد کرده میباشد اگر بنظر تان میرسد يك پیشنهادی فرمایند که جامع این سه نظر باشد که هم تصنیق با بلایع خارجه نشود و هم تصنیق بدولت نشود که يك پول زیادی از خزانه برادر وهم اینکه ملک از دست آنها خارج شود بفرماید.

ولیس - آقای روسی

روسی - بنده يك نظری داشتم میخواستیم این را از آقای غیر با آقای وزیر سؤال کنیم در تمام این مواد قسمتی را بکلی از نظر دور انداخته اند و آن این است که اگر يك جا بیع شرط بود چه سورهی دارد ممکن است که غلبش اینها را کرد گذاشته باشند بترتیب معامله هالی که امروز مرسوم است و در محاسن رسمی سند قطعی هم صادر شده باشد چنانچه امروز این قبیل معاملات میشود

با اینکه اجازه باشد داده است ده ساله اجازه بموجب اسناد رسمی این را چه معامله میکنند در موقع خرید و فروش چه ترتیب میشود این را هم ممکن است با وفات بفرمایند در کمیسیون بگیرند که در شور دوم تکلیف این قسمت هم معلوم شود چون ممکن است حق بعضیها در اینجا باطل بشود.

مهیگر - عرض میشود در قسمت اول مسئله بیع شرط اگر بیع منفعی شده باشد بموجب ماده یازدهم طرفین هم تبعه ایران باشد بیع قطعی شده است و مال تبعه ایران است و اگر بیع مرعی است یعنی هنوز قطعی نبوده است حکم سایر معاملات را ندارد ملک مال کسی است که خریدار است منتهی يك اختیار بفضی باقی است و ما بر خلاف ترتیبی که مقرر است در حقوق مدنی خودمان نمیتوانیم ترتیبی قائل شویم و اما راجع با اجازه در این قسمت هم اشکالی نیست چون اجازه سلب تصرف نمیکند و مالکیت موجد باقی است و بد مستأجر همیشه بد امانی است

چمی از نمایندگان - کافی است

ولیس - پیشنهادی از آقای مؤبد احدی رسیده است قرائت میشود

بصره ذیل را بدهد ۷ پیشنهاد میکنم
بصره - دولت مکلف است در ظرف ده سال هر گاه ملک مزبور مشزی پیدا نکرد قیمت ملک مزبور را به قیمت تقویمی برآید و ملصکرا صاحب نماید.
ولیس - ماده هفتم قرائت میشود

ماده هفتم - هر گاه دولت قیمت ملک را بر داشت و بعد بخواست آنرا نادیده کند هر يك از طرفین حق خواهند داشت تقاضای تقویم مجدد نمایند در اینصورت تقویم بتوسط موقومین مالیه و دارنده ملک و عند لزوم بر طبق ماده ۴ بمدل خواهد آمد و دولت باید قیمتی را که پس از تقویم مجدد معین میشود تادیه کند.

ولیس - ماده نهم قرائت میشود:

ماده نهم - جز در مورد ماده قبل که حق الزحمه

معلوم بنهاده طبرانی است که تقاضای تجدید تقویم کرده در کلیه موارد حواله از جمعه موقوم که پارنده ملک مین منمناید و همچنین حواله جمعه موقوم که از طرف محکم و مدعی الموم و مطابق این قانون می باشد و بشود و مخارج مزایده به عهده دارنده ملک خواهد بود

رئیس - ماده دهم قرائت میشود:

ماده دهم - هر نقل و انتقال راجع باموال غیر منقول که تا تاریخ اجراء این قانون از طرف اتباع خارجه بانواع ایران واقع شده باشد و همچنین هر نقل و انتقالی بانواع ایران که از تاریخ اجراء این قانون تا سه ماه مفروضه ماده (۱) بمعل آید معتبر است.

رئیس - آقای مهدی

پنجی - بود چه ماده دهم هر نقل و انتقالی ککه

قبل از این قانون یا تا سه ماه بعد از وضع این قانون از طرف اتباع خارجه به اتباع ایران بمعل آید قانونی خواهد بود و بشرط است چنی هرملکی را که آنها صاحب کرده باشند بانواع ایران فروخته باشند معتبر است و معامله آنها صحیح است و باعانت و ممکن است آن ها اعتراض از طرف شخص ثالث داشته باشند بلکه در این مورد بصورت دیگری صاحب کرده اند و بدهم منتقل کرده اند در ضمن یک اعتراضی از طرف شخص ثالث و آن ملک هست اینجا که ما معامله را تصدیق میکنم البته دیگر مثل اعتراضی بانی نمیتواند در صورتیکه مقصود ما در اینجا فقط انتقال به بیبه ایران است که میخواهم تصدیق کنیم که این انتقال صحیح است ولی دعوی سابق این ملک را که ما نمیتوانیم تصدیق کنیم که آن دعوی هم ازین باید برود و اعتراضی شان درک این معاملات کی خواهد بود آیا آن بیبه خارجه که منتقل کرده است اوضاعش درک خواهد بود یا این کسی که الا آن ملک شده است باید با مالک اولی برود محاکمه کند تکلف اشخاص ثالث در این باب چه خواهد بود البته آرا ما نباید بکلی صرف نظر کنیم و ازین بریم باید ماده نظوری وضع شود که اگر اعتراضی از طرف اشخاص ثالث بملک هست آنها در جای خودش مطابق جرایمات قانونی مدول بیود و حق

بگوید مثل اینکه گفته شده است که اصلاً این بیبه خارجه حق نداشته است مالک باشد که این را انتقال بدهد پس بنا براین یک ایرادی بر این ناقل وارد بود من حیث اینکه این ناقل بیبه خارجه است ما این عییدا خواستیم رفع کنیم و الا اگر از سایر جهات عیبی باشد باقی خواهد بود و ما ما ملک بیبه خارجه که آمد ما ملکنا انتقال داده است ضمن در کس هم خواهد بود و تمام آن اصول دیگر چنان خواهد بود باقی است با وجود این حال اگر تصور میفرمایید که این قانون دیگری مطلب روشن تر میشود پیشنهاد بکنید.

و لری عدلیه - منظور اصلاح بیبه قانونی بنادره ما طوریکه نماینده محترم اظهار کردند با آنچه که دولت اظهار کرده است و کمیسیون عدلیه هم مد نظر گرفت است معامله با بیبه خارجه یک اشکال اصولی درش بوده است آن چیست آن این است که بشود گفت چون حق تعالی

رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود:

ماده یازدهم - نسبت به نقل و انتقالی که از طرف اتباع خارجه واقع شده باشد و اعم از اینکه بیبه خارجه است قبلاً ناقل بوده یا مالک مطابق ماده ۷ انتقال داده شده

یک اشکال اصولی در این کار هست ما از این ماده فقط این نظر را داریم که آن عیبی که بواسطه بیبه خارجه بودن او پیش می آمده است اولاً این قانون می آید ازین صرف نظر میکنم چهارم خبری بگوید اگر یک ملک را بیبه خارجه آمد انتقال داد بدیگری این را ما یک انتقال صحیحی میدانیم و از این حیث عیبی بر او نمیتوانیم باین معنی که چون بیبه خارجه بوده است ناقل از این حیث عیب نمیتوانیم و الا اگر بیبه از جهات دیگری عیبی یا فسادیه بوده است او را که این ماده نباید ترمیم بکنیم چهارم آخری معنی این ماده این نیست که هر بیبه خارجی هرملکی را ولو اینکه آن ملک را صرف نظر از تائیدش مالک نمیتوانست است بشود یعنی ملک را که منتقل بدیگری بوده است آمده باشد انتقال داده باشد اتفاقاً صحیح است هیچوقت عیبی حرفی را نیستند زد ما هم این مقصود را نداریم مقصود این است که بگوئیم چون بیبه خارجه بوده است و نمیتوانست است مالک بشود و بنا بر این نمیتوانست است که باید بطلان آن انتقال بدهد آرا دفع میکنیم و این را تصدیق فرمایید مودرم ممکن است پیدا کند مثلاً فرض فرمایید یک کسی اعیان کرد شخصی می آمد میگفت مالکم متصرفم بالاخره ملک مالکیت این ایرانی که ملک دودشش است این بود که اتباع خارجه با منتقل کرده است آنوقت یک ملک کسی

باشد بیبه خارجه شان درک و مشورل کشف فساد خواهد بود.

رئیس - ماده دوازدهم قرائت میشود:

ماده دوازدهم - این قانون پس از یکماه از تاریخ تصویب بوقوع اجرا گذاشته خواهد شد.

رئیس - رأی بگیرییم بورد در شور نای موافقین قیام فرمایند (اگر برخاستند) تصویب شد.

۴ - موافق و دستور جلسه بعد ختم جلسه

رئیس - پیشنهاد شده است که جلسه را ختم کنیم

(صبح است) اگر موافقت فرمایید جلسه آینده چهارشنبه ختم است سه ساعت قبل از ظهر دستور هم موافق موجوده

مجلس طهران ظهر ختم شد

رئیس مجلس شورای ملی - داد